بسم الله الرحمان الرحیم

زندگی همانند یک پازل است،پازلی پر از فراز و نشیب؛هرکدام از تکه های این پازل تا کامل نشه بازی نشه.

اردو یکی از این تکه پازل هاست وچیز دیگری هم جای آن را نمیگیرد نه مسافرت نه سفر خانوادگی نه ماوموریتی و نه چیز دیگری ،حالا اردو به این مهمی چه بخواهی چه نخواهی کلی چیز گیرت می آید. اعتماد به نفس یک چیز مهم بدرد بوخور در زندگی است(که زیادی اش میشود غرور).

اکثر بچه ها تا اسم بازی به گوششان میخورد یاد فوتبال ( یا طرف خیلی مرد باشه چند ثانیه ای هم به والیبال) می افته.

تاثیر جو بر افکار (فشار همسالان)

من خودم را مثال میزنم :من اینقدر فوتبالم بده هر دفعه اولویتم شده فوتبال بعد اگر شد والیبال در صورتی که قبلا برعکس بود به هر حال انقدر که طرفدار های والیبال کم شد من هم مثل بقیه به فوتبال روی آوردم.

حالا با ای وضعیت شما اگر بودید جرئت داشتید حمله بازی کنید (دیگر خیلی پر رو اید)من که فقط اوایل مثل موش (نخودی)دفاع می ایستادم بعدا یک چیز هایی یاد گرفتم حمله هم میکردم (تا زمانی که توپ ست تیم ما بود=حمله غیر از آن=دفاع) توی اردو هم از دست بر قضا همه حمله بودند دیگه من هم به اجبار دفاع ایستادم.

از این چهار روزی که ما داشتیم فوتبال بازی میکردیم(روز آخر و بازی آخر که هم تعداد زیاد بود و هم زمان بازی)من دیگه خسته شدم خب خودم هم گل زدن را دوست داشتم. فکری که به ذهنم رسید این بود که مثل مجسمه تو منطقه 18 قدم حریف وایستم همین کار رو هم کردم تنها چیزی هم که گیرم آمد این بود که :

یک توپ برسه بهم همونم بزّور گل کنم تازه خوشم اومده بازم جلو وایستادم و منتظر موندم حالا اگه انا پاس دادن من اسمم را عوض میکنم.

حالا همه خاطره ها که نباید خنده دار باشه یک ذره هم جنبه آموزشی داشتن بد نیست.

با تشکر فرمایشی رودسری هشتم ب